

تأثیر عوامل متفاوت بر نرخ سود تسهیلات بانکی

رضا امیری

محدود است، باعث افزایش شکاف بین نرخ‌های سود در بازارهای رسمی و بازارهای غیررسمی پول شده و رانت‌های اقتصادی را افزایش خواهد داد. در این وضعیت، کار آفرینان واقعی کنار زده می‌شوند و رانت‌جویان وارد بازار شده و منابع پولی در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که به انحای مختلف به منابع پولی بانک‌ها دسترسی دارند و انگیزه‌های کسب سود، مانع از تخصیص بهینه منابع به بخش‌های تولیدی خواهد شد.

همچنین بررسی وضعیت نرخ سود تسهیلات اعطایی و مطالبات سررسید گذشته و معوق پنج بانک عمده تجاری کشور در سال‌های اخیر بیانگر آن است که با کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی، نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق به تسهیلات اعطایی بانک‌ها افزایش یافته است، یعنی برخلاف انتظار که با کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها، هزینه‌های تولید کاهش و توانایی تولیدکنندگان در بازپرداخت بدهی‌ها افزایش می‌یابد، لیکن عملاً این امر تحقق نیافته است.

۲- در یک اقتصاد سالم، مکانیسم‌های اقتصادی به طور کامل و صحیح کار می‌نمایند، لذا با کاهش نرخ بهره سپرده بانکی، مردم سپرده‌های خود را از بانک‌ها خارج نموده و در اموری که بازدهی بیشتری دارند، به کار می‌گیرند. این در حالی است که در کشور ما تحقیقات نشان می‌دهد که با وجودی که میزان سود واقعی سپرده‌های مدت‌دار بانک‌ها طی ۲۰ سال گذشته همیشه منفی بوده است، ولی هر سال میزان سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌ها رشد کرده، به طوری که دلیل این امر را می‌توان در محدودیت‌های ناشی از انتخاب بهترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری و شرایط تحمیل شده بر اثر انحصارات در سال‌های گذشته بر مردم دانست.

از سویی، با شروع به کار بانک‌های خصوصی و پرداخت سودهای بیشتر به سپرده‌های سرمایه‌گذاری و همچنین محاسبه سود قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری و پرداخت مابه‌التفاوت سهم سود سپرده‌گذاران توسط بسیاری از بانک‌های

۱- در بحث کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها، نظریات و عقاید متفاوتی از سوی موافقان و مخالفان مطرح شده است. یکی از مهمترین دلایلی که از سوی موافقان طرح مذکور مطرح شد، کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها به منظور حمایت از تولیدکنندگان است. این امر به صورت کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و افزایش سرمایه‌گذاری‌های جدید و درنهایت، به صورت جهشی در رشد اقتصادی و دستیابی به درآمد ملی بالاتر نمایان می‌شود.

به طور کلی، این گروه معتقدند که تأثیرات سیاست تعیین سقف نرخ سود تسهیلات بانکی، از عوامل دیگری همچون انتظارات از سود سرمایه‌گذاری، نرخ تورم انتظاری، نرخ رشد اقتصادی و... بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران موثرتر است و با کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها، درواقع، هزینه‌های سرمایه‌گذاری کاهش یافته و این کاهش هزینه‌ها، مشوقی برای افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها خواهد بود. بر این اساس، افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها منجر به افزایش حجم موجودی سرمایه کل اقتصاد شده که این عامل به عنوان یکی از نهاده‌های تولید، موجب به کارگیری نیروی کار بیشتر می‌شود و درواقع، به معنی افزایش سطح اشتغال نیروی کار فعال در اقتصاد و کاهش بیکاری خواهد بود.

درنهایت، با توجه به تغییرات به وجود آمده در عوامل تولید کل اقتصاد به علت افزایش در حجم موجودی سرمایه و به کارگیری نیروی کار بیشتر، تولید کل اقتصاد به سطح بالاتری می‌رسد و در نتیجه، این موضوع موجب رشد اقتصادی همراه با کاهش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات تولید شده خواهد شد.

به نظر مدافعان کاهش نرخ سود، یکی دیگر از دستاوردهای این طرح می‌تواند کاهش مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها به دلیل کاهش هزینه‌های تولیدکنندگان در جریان کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی باشد، در حالی که اگر نرخ‌های سود بانکی کاهش یابد، با توجه به این که منابع بانکی

بررسی وضعیت نرخ سود تسهیلات اعطایی و مطالبات سررسید گذشته و معوق پنج بانک عمده تجاری کشور در سال‌های اخیر، بیانگر آن است که با کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی، نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق به تسهیلات اعطایی بانک‌ها افزایش یافته است.

در وضع موجود که سیستم بانکی با کمبود منابع لازم برای اعطای تسهیلات مواجه است و میزان تقاضای کشور هم چند برابر منابع بانک‌ها است، کاهش نرخ سود تسهیلات، تنها باعث افزایش تقاضای تسهیلات بانکی و ایجاد نوعی رانت اقتصادی شده که زمینه‌های فساد مالی را تقویت می‌نماید.

این رو، قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

نوع دیگر تورم، تورم ناشی از فشار تقاضا است، بدین معنی که به علت عدم تناسب بین عرضه و تقاضای کالاها و خدمات در اقتصاد، وجود مازاد تقاضای مصرف‌کنندگان نسبت به عرضه تولیدکنندگان، قیمت‌های تعادلی کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد. البته تورم یک اقتصاد را به طور مطلق نمی‌توان به یکی از این دو عامل نسبت داد و منکر نقش دیگری شد، ولی تاثیر غالب یکی از این دو عامل در افزایش نرخ تورم کاملاً پذیرفتنی است.

در ایران تصور می‌شود که تورم از نوع دوم بوده و بیشتر ناشی از فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل کالاها و خدمات است. برای کنترل اینگونه تورم‌ها بهتر است که تقاضای کل کاهش پیدا کند و یکی از اصلی‌ترین ابزارهای کنترل تقاضای کل نیز اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی است.

۵- قانون عملیات بانکی بدون ربا علیرغم انعطاف‌پذیری آن که از قوانین فطری^(۱) محسوب می‌شود، متأسفانه در کشور ما از دو جهت مورد ظلم قرار گرفته است، زیرا بانک‌ها نتوانسته‌اند زبان مشترکی را با جامعه ایجاد کنند. از یک طرف، به علت مشابهت بعضی از روش‌های محاسباتی و به علت اعمال سیاست‌های دستوری در مورد نرخ سود موردانتظار که عملاً به سود قطعی (خصوصاً در مورد تسهیلات) تبدیل شده، این تصور پیش آمده است که قانون عملیات بانکی بدون ربا فقط تغییر ظاهر است و همان روش‌هایی است که در گذشته به صورت ربوی اجرا می‌شده، لذا از طرف علما و مجتهدین و متشرعین مورد ایراد قرار گرفته است، بدون این که بانک‌ها کوششی کرده باشند که ماهیت را روشن و به خوبی آن را اجرا کنند و در عمل بانک‌ها روش‌هایی را برای اجرا اتخاذ کرده‌اند که با مفهوم و روح قانون و آیین‌نامه‌های فصل دوم و سوم سازگاری ندارد. این مشابهت شکلی، این تردید را در جامعه به وجود آورده است که خدای نخواستہ عملیات ربوی است، حال آن که چنین تعبیری باطل است. از طرف دیگر هم در بین متخصصان علوم اقتصادی و بانکی طوری عنوان شده است که این قانون انعطاف‌پذیری لازم برای توسعه عملیات بانکی و حصول به نتایج اقتصادی را ندارد. سیاست‌هایی که در سال‌های متمادی برای تعیین نرخ سود موردانتظار درپیش گرفته شده و در عمل به صورت قطعی تبدیل شده^(۲)، این تصور را به وجود آورده است که براساس ماهیت این قانون سود تعیین شده است و از این دیدگاه هم این قانون مورد ظلم قرار گرفته و سیستم بانکی مظلوم واقع شده است، لیکن باید دانست که قانون عملیات بانکی بدون ربا در آیین‌نامه فصل دوم و سوم چنین حکمی نکرده که سیاست‌های تعیین نرخ سود دستوری باشد و نتایج نامطلوب احتمالی آن به حساب مشکلات قانونی منظور شود.

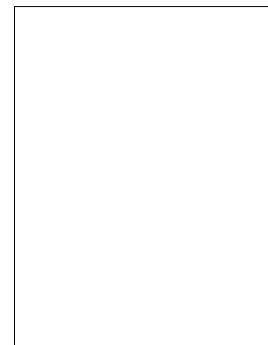
دولتی در سال‌های اخیر، سهم سپرده‌های غیردیداری (سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار مردم نزد بانک‌ها) از مجموع نقدینگی بخش خصوصی به صورت مداوم افزایش یافته است. افزایش سهم سپرده‌های غیردیداری، از یک سو موجب کاهش سهم سپرده‌های دیداری بانک‌ها شده و از سوی دیگر، با کاهش سهم اسکناس و مسکوکات در دست اشخاص، بخش قابل توجهی از منابع و نقدینگی سرگردان در دست مردم را به سوی نظام بانکی کشور هدایت کرده است. با درنظرگرفتن این واقعیت روشن می‌شود که روند گرایش مردم به سوی سپرده‌های مدت‌دار، با روند افزایش نرخ سود واقعی، ارتباط معناداری دارد. بنابراین، در صورت وجود گزینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری، سپرده‌های مردم بدان سمت منتقل می‌شود.

۳- نرخ سود تسهیلات در واقع قیمت پول است. حال اگر نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها کاهش یابد، قیمت پول و در نتیجه، هزینه اخذ تسهیلات از بانک‌ها کاهش یافته و تقاضا برای اخذ تسهیلات از بانک‌ها افزایش می‌یابد. افزایش تقاضای تسهیلات هم تقاضای کل جامعه را افزایش داده و این افزایش به دو شکل تقاضا برای خرید کالاها و مصرفی و یا سرمایه‌ای نمود پیدا می‌کند. در صورتی که تقاضا برای خرید کالاها و سرمایه‌ای افزایش یابد، حجم موجودی سرمایه کل اقتصاد افزایش یافته و این امر باعث افزایش تولید و در نتیجه، باعث افزایش اشتغال و رشد اقتصادی همراه با کاهش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات تولیدشده خواهد شد. از طرف دیگر، اگر تسهیلات دریافتی صرف خرید کالاها و مصرفی شود، این امر تقاضای مصرفی جامعه را افزایش داده و در این صورت، مازاد تقاضا از دو طریق وجود ظرفیت‌های بالقوه تولید یا واردات کالا از خارج قابل‌تامین است.

البته مطالب فوق مربوط به زمانی است که بانک‌ها منابع کافی برای پاسخگویی به افزایش تقاضای تسهیلات بانکی را داشته باشند، اما با وضع موجود که سیستم بانکی با کمبود منابع لازم برای اعطای تسهیلات مواجه است و میزان تقاضای کشور هم چند برابر منابع بانک‌ها است، کاهش نرخ سود تسهیلات، تنها باعث افزایش تقاضای تسهیلات بانکی و ایجاد نوعی رانت اقتصادی شده که زمینه‌های فساد مالی را تقویت می‌نماید.

۴- تورم در کشورهای مختلف، تابعی از عوامل گوناگون است، اما در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان علل تورم را به دو دسته تقسیم کرد:

اولین نوع تورم، تورم ناشی از هزینه‌های تولید است، بدین معنی که با افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی، قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات افزایش یافته و تولیدکنندگان به منظور بقا در صنعت، قیمت فروش کالاها و خدمات را افزایش می‌دهند و از



باتوجه به این که تورم در ایران بیشتر ناشی از فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل کالاها و خدمات است، لذا برای کنترل اینگونه تورم‌ها بهتر است که تقاضای کل کاهش یابد، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای کنترل تقاضای کل نیز اتخاذ سیاست‌های پولی انقباضی است.

کنترل نرخ سود بانک‌های خصوصی، نه تنها بازار پول را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بلکه بازار سرمایه نیز از آن متاثر خواهد شد.